

نقض حق زندگی: خشونت با عضو دارای معلولیت خانواده

Photo: goa novi/www.shutterstock.com

فهیمة خضر حیدری

وقتی پای خانه و خانواده امن به میان می‌آید، کمتر از حقوق و وضعیت فرد دارای معلولیت یا آن طور که در ادبیات مدرن‌تر و برابری طلب در کشورهای پیشرفته رایج است «فرد دارای نیازها/توانایی‌های ویژه» حرف زده می‌شود.

این در حالی است که گزارش‌ها نشان می‌دهند احتمال این که افراد دارای معلولیت قربانی خشونت بشوند بیش از احتمال خشونت دیدگی افراد دیگر است. بر همین اساس **گزارش شده** که کودکان دارای معلولیت سه تا چهار برابر کودکان دیگر قربانی خشونت می‌شوند.

فرد دارای معلولیت اغلب نه تنها با ضایع شدن حقوق خود در جامعه بلکه با خطر نادیده انگاشته شدن یا حذف و آزار در پشت درهای بسته خانه هم روبه‌روست.

هر گونه سوء رفتار با عضو دارای معلولیت خانواده، خشونت علیه افراد دارای معلولیت محسوب می‌شود و اگرچه موضوعی است که در حجم گسترده اخبار مربوط به خشونت خانگی علیه زنان و کودکان، کمتر به چشم می‌آید اما همچنان از مهم‌ترین چالش‌ها بر سر راه ساختن خانه‌ای امن برای همه اعضای خانواده است.

معلولیت می‌تواند نسبی باشد

معلولیت را در بعضی تعریف‌ها بخشی از شرایط بشری دانسته‌اند. حدود ۵۱ درصد از جمعیت جهان افراد دارای معلولیت هستند. کسانی که هر یک به نوعی با ناتوانی‌هایی در دیدن، شنیدن، راه رفتن، سخن گفتن یا ناتوانی‌هایی در کارکردهای ذهن روبه‌رو هستند. فعالان حقوق معلولیت از جمله خواهان به رسمیت شناختن همین «نا یا کم توانی» هستند. نه چیزی بیشتر نه چیزی کمتر. انسان می‌تواند در زمینه‌ای توانایی کافی نداشته باشد یا این که ناتوان باشد اما این ناتوانی به معنای تحت‌الشعاع قرار دادن توانایی‌های دیگر فرد نیست. از طرفی نمی‌تواند به عنوان تنها یا مهم‌ترین ویژگی فرد برجسته شود و باعث شود فرد را تنها و تنها با یک ویژگی تعریف کرده و به او برچسب بزنیم.

از سوی دیگر معلولیت با توجه به شرایط و محیط و اطرافیان و محل و مدل زندگی افراد، می‌تواند تشدید شود، به بحران تبدیل شود یا برعکس، فرصت‌های برابر و بهتری را در اختیار فرد دارای معلولیت قرار دهد.

بنا بر **تعریف** کنوانسیون بین‌المللی حقوق افراد دارای معلولیت، معلولیت در حقیقت محصول تعامل فرد معلول و موانعی است که محیط اطراف و جامعه در برابر او قرار می‌دهند.

در بسیاری از شهرهای دوستدار افراد دارای معلولیت، امکانات شهری به این گروه از شهروندان امکان می‌دهد تا مثل بقیه در خیابان‌ها رفت و آمد کنند، مثل همه به تماشای فیلم و تئاتر بروند و مثل همه از وسایل حمل و نقل عمومی استفاده کنند. اما وقتی این امکانات شهری تدارک دیده نشده باشد، فرد دارای معلولیت ناگزیر از ماندن در محیط بسته خانه و گوشه‌گیری و افسردگی و کم‌حرکی خواهد شد، گویی که معلولیتش افزایش پیدا کرده است.

همین روال درون خانه‌ها هم قابل پی‌گیری است. خانواده می‌تواند با مواجهه و رفتار خود، معلولیت فرد را تشدید کند یا تسکین بدهد. این که یک فرد در خانه‌ای که دارای آسانسور و راه مخصوص ورود و خروج معلولان است زندگی کند، می‌تواند تلقی او را از معلولیت تغییر دهد.

معلولیت در شرایطی که خانواده و اطرافیان درک بهتری از وضعیت فرد دارای معلولیت دارند می‌تواند بهتر مدیریت شود و امکان زندگی عادی و سالم را بیشتر برای او فراهم آورد در حالی که اگر امکانات فیزیکی و فرهنگی خانواده مناسب حمایت از فرد دارای معلولیت نباشد، زندگی او دشوارتر و معلولیتش هم سنگین‌تر و محدودکننده‌تر خواهد شد.

خشونت کلامی با افراد دارای معلولیت

استفاده از کلماتی مثل مُنگل، عقب‌مانده، عقب‌مانده ذهنی، کور، کر، علیل، چلاق، عاجز و ده‌ها واژه مشابه در اشاره به افراد دارای

معلولیت اغلب در خانواده و جامعه رواج دارد. کلماتی که می‌توانند به سادگی روان افراد دارای معلولیت را بخراشد و توهین و خشونت روانی و کلامی نسبت به آنها تلقی شوند.

نه فقط استفاده از واژگانی از این دست که حذف هرچه بیشتر آنها از محیط خانه‌ها - چه در قالب شوخی و طنز و چه در اشاره به موقعیت عضو دارای معلولیت خانواده - می‌تواند فضای امن‌تر و سالم‌تری در خانه‌ها به وجود بیاورد، بلکه رویکرد اعضای خانواده و به‌خصوص پدر و مادر نسبت به معلولیت فرزند خود هم می‌تواند - آگاهانه یا ناآگاهانه - سبب آزار و اذیت و اعمال خشونت علیه آنها شود.

همین که پدر و مادرها فرزند دارای معلولیت را نتیجه «قهر خدا»، «مصلحت و آزمون الهی»، «ناشکری» و درسی برای عبرت و دلسوزی بدانند، ای بسا بیشترین و عریان‌ترین خشونت را علیه او اعمال کرده و تلقی نادرستی از وضعیت‌اش به او خواهند داد. در حالی که از حقوق فرد دارای معلولیت، برخورداری از امکانات و شرایط عادی زیستن در خانواده است.

پنهان کردن عضو دارای معلولیت

به حساب نیاوردن، نادیده گرفتن و از همه بدتر پنهان کردن عضو دارای معلولیت از دیگران نوع دیگری از اعمال خشونت علیه آنهاست. در بسیاری از خانواده‌ها برای عضو دارای معلولیت لباسی خریداری نمی‌شود. تلقی بی‌رحمانه این است که «او که نمی‌بیند یا متوجه نیست.»

افراد دارای معلولیت معمولاً در تصمیم‌های جمعی و خانوادگی، حتا تصمیم‌هایی که به زندگی و وضعیت شخصی خود آنها مربوط است مشارکت داده نمی‌شوند و شاید تلخ‌ترین نوع خشونت است که علیه آنها اعمال می‌شود **پنهان کردن** آنها از دید سایرین، همسایگان، مهمان‌ها و دوست و آشنا باشد. گویی که عضو دارای معلولیت خانواده لکه ننگی بر پیشانی همه است.

گزارش‌ها نشان می‌دهد چنین رفتاری درباره دختران دارای معلولیت بیش از پسران انجام می‌شود.

گاه عضوی از خانواده که روی صندلی چرخ‌دار می‌نشیند تا هفته‌ها از خانه خارج نمی‌شود چرا که ممکن است خروج او از خانه دردسرهایی برای اعضای خانواده داشته باشد یا کسانی از همسایگان و آشنایان او را ببینند.

همه اینها در حالی است که کنوانسیون حقوق جهانی معلولان خواستار به رسمیت شناخته شدن تمامیت جسمی و روانی همه افراد دارای معلولیت در هر کجای جهان است.

ضرورت حمایت از خانواده‌ها

وقتی یک عضو خانواده با نوعی از معلولیت زندگی می‌کند نه فقط همان عضو خانواده که در واقع تمام خانواده به عنوان یک واحد، نیازمند همراهی و طرح و برنامه‌های حمایتی است. آموزش خانواده‌ها برای چه‌گونگی مواجهه با عضو دارای معلولیت از جمله ضروری‌ترین اقدامات حمایتی است که دولت‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد باید در پیش بگیرند.

خانواده‌هایی که عضوی دارای معلولیت دارند علاوه بر همه مشکلات دیگر، اغلب با چالش‌های اقتصادی هم روبه‌رو می‌شوند. هزینه‌های دارویی و درمانی و دغدغه‌های مربوط به بیمه و هزینه‌ها بر دوش این خانواده‌ها سنگینی می‌کند.

اینجاست که برنامه‌های حمایتی دولت‌ها به کار می‌آید. برنامه‌ای که در ایران در سال ۳۹۳۱ بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی، سازمان ملی زمین و مسکن، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، انجمن خیرین مسکن‌ساز و سازمان بهزیستی برای عملی شدن آن اقدام کردند.

بر اساس این طرح قرار شد برای خانواده‌های دارای دو فرزند معلول خانه و محلی برای زندگی فراهم شود. برنامه‌ای که البته گزارش‌های بعدی درباره چه‌گونگی پیشروی آن چندان شفاف نیست.

از سوی دیگر نهادهایی مانند سازمان بهزیستی که بر اساس قانون نهاد متولی شهروندان دارای معلولیت هستند موظف شده‌اند با در اختیار قرار دادن پرستار و نیروی کمکی به شهروندان دارای معلولیت کمک کنند تا کمترین نیاز را به اعضای خانواده خود داشته باشند.

گاه فرد دارای معلولیت برای برآوردن کوچک‌ترین نیازهای خود در زندگی روزانه نیازمند کمک است و **گزارش‌هایی** از دریغ داشتن این کمک از سوی اعضای خانواده خبر می‌دهد. اقدامی که نقض آشکار حقوق فرد دارای معلولیت و مصداق خشونت با اوست.

همه می‌توانند دارای معلولیت باشند

از نظر پزشکی هیچ انسانی بی‌نقص نیست و هر شهروندی می‌تواند درجه‌ای از معلولیت ذهنی یا جسمی را در خود داشته باشد. معلولیت نسبی در میان سالی و کهن سالی اجتناب‌ناپذیر است. این طور که آمار **می‌گوید** یک‌سوم افراد بالای ۵۷ سال دچار معلولیت‌های حرکتی،

افت شنوایی و بینایی، ضعف حافظه و اختلالات رفتاری می‌شوند. این یعنی همه ما ممکن است به درجاتی با معلولیت درگیر باشیم یا در آینده درگیر بشویم. دانستن این موضوع شاید کمک کند تا به عنوان اعضای خانواده، به منظور امن‌تر ساختن نهاد خانواده برای اعضای دارای معلولیت، انگیزه و مسئولیت بیشتری حس کنیم.

از مهم‌ترین بندهای کنوانسیون جهانی حقوق معلولان تلاش برای درک شرایط شهروندان دارای معلولیت، احترام به تفاوت‌ها و پذیرش شهروندان دارای معلولیت به عنوان بخشی از تنوع انسانی و بشری است. شهروندانی که مثل همه حق زندگی کردن، برخوردار بودن از رفاه و آسایش، حق آموزش و داشتن شغل و حق مشارکت سیاسی و اجتماعی دارند.

به رسمیت شناختن این حقوق اما قبل از هر جای دیگر از نهاد خانواده آغاز می‌شود. از خانه‌های امن.

نقض حق زندگی: خشونت با عضو دارای معلولیت خانواده

وقتی پای خانه و خانواده امن به میان می‌آید، کمتر از حقوق و وضعیت فرد دارای معلولیت یا آن طور که در ادبیات مدرن‌تر و برابری طلب در کشورهای پیشرفته رایج است «فرد دارای نیازها/توانایی‌های ویژه» حرف زده می‌شود.

این در حالی است که گزارش‌ها نشان می‌دهند احتمال این که افراد دارای معلولیت قربانی خشونت بشوند بیش از احتمال خشونت دیدگی افراد دیگر است. بر همین اساس **گزارش شده** که کودکان دارای معلولیت سه تا چهار برابر کودکان دیگر قربانی خشونت می‌شوند.

فرد دارای معلولیت اغلب نه تنها با ضایع شدن حقوق خود در جامعه بلکه با خطر نادیده انگاشته شدن یا حذف و آزار در پشت درهای بسته خانه هم روبه‌روست.

هر گونه سوء رفتار با عضو دارای معلولیت خانواده، خشونت علیه افراد دارای معلولیت محسوب می‌شود و اگرچه موضوعی است که در حجم گسترده اخبار مربوط به خشونت خانگی علیه زنان و کودکان، کمتر به چشم می‌آید اما همچنان از مهم‌ترین چالش‌ها بر سر راه ساختن خانه‌ای امن برای همه اعضای خانواده است.

معلولیت می‌تواند نسبی باشد

معلولیت را در بعضی تعریف‌ها بخشی از شرایط بشری دانسته‌اند. حدود ۵۱ درصد از جمعیت جهان افراد دارای معلولیت هستند. کسانی که هر یک به نوعی با ناتوانی‌هایی در دیدن، شنیدن، راه رفتن، سخن گفتن یا ناتوانی‌هایی در کارکردهای ذهن روبه‌رو هستند. فعالان حقوق معلولیت از جمله خواهان به رسمیت شناختن همین «نا یا کم توانی» هستند. نه چیزی بیشتر نه چیزی کمتر. انسان می‌تواند در زمینه‌ای توانایی کافی نداشته باشد یا این که ناتوان باشد اما این ناتوانی به معنای تحت‌الشعاع قرار دادن توانایی‌های دیگر فرد نیست. از طرفی نمی‌تواند به عنوان تنها یا مهم‌ترین ویژگی فرد برجسته شود و باعث شود فرد را تنها و تنها با یک ویژگی تعریف کرده و به او برچسب بزنیم.

از سوی دیگر معلولیت با توجه به شرایط و محیط و اطرافیان و محل و مدل زندگی افراد، می‌تواند تشدید شود، به بحران تبدیل شود یا برعکس، فرصت‌های برابر و بهتری را در اختیار فرد دارای معلولیت قرار دهد.

بنا بر **تعریف** کنوانسیون بین‌المللی حقوق افراد دارای معلولیت، معلولیت در حقیقت محصول تعامل فرد معلول و موانعی است که محیط اطراف و جامعه در برابر او قرار می‌دهند.

در بسیاری از شهرهای دوستدار افراد دارای معلولیت، امکانات شهری به این گروه از شهروندان امکان می‌دهد تا مثل بقیه در خیابان‌ها رفت و آمد کنند، مثل همه به تماشای فیلم و تئاتر بروند و مثل همه از وسایل حمل و نقل عمومی استفاده کنند. اما وقتی این امکانات شهری تدارک دیده نشده باشد، فرد دارای معلولیت ناگزیر از ماندن در محیط بسته خانه و گوشه‌گیری و افسردگی و کم‌حرکی خواهد شد، گویی که معلولیتش افزایش پیدا کرده است.

همین روال درون خانه‌ها هم قابل پی‌گیری است. خانواده می‌تواند با مواجهه و رفتار خود، معلولیت فرد را تشدید کند یا تسکین بدهد. این که یک فرد در خانه‌ای که دارای آسانسور و راه مخصوص ورود و خروج معلولان است زندگی کند، می‌تواند تلقی او را از معلولیت تغییر دهد.

معلولیت در شرایطی که خانواده و اطرافیان درک بهتری از وضعیت فرد دارای معلولیت دارند می‌تواند بهتر مدیریت شود و امکان زندگی عادی و سالم را بیشتر برای او فراهم آورد در حالی که اگر امکانات فیزیکی و فرهنگی خانواده مناسب حمایت از فرد دارای معلولیت نباشد، زندگی او دشوارتر و معلولیتش هم سنگین‌تر و محدودکننده‌تر خواهد شد.

خشونت کلامی با افراد دارای معلولیت

استفاده از کلماتی مثل مُنگل، عقب‌مانده، عقب‌مانده ذهنی، کور، کر، علیل، چلاق، عاجز و ده‌ها واژه مشابه در اشاره به افراد دارای معلولیت اغلب در خانواده و جامعه رواج دارد. کلماتی که می‌توانند به سادگی روان افراد دارای معلولیت را بخراشند و توهین و خشونت روانی و کلامی نسبت به آنها تلقی شوند.

نه فقط استفاده از واژگانی از این دست که حذف هرچه بیشتر آنها از محیط خانه‌ها - چه در قالب شوخی و طنز و چه در اشاره به موقعیت عضو دارای معلولیت خانواده - می‌تواند فضای امن‌تر و سالم‌تری در خانه‌ها به وجود بیاورد، بلکه رویکرد اعضای خانواده و به‌خصوص پدر و مادر نسبت به معلولیت فرزند خود هم می‌تواند - آگاهانه یا ناآگاهانه - سبب آزار و اذیت و اعمال خشونت علیه آنها شود.

همین که پدر و مادرها فرزند دارای معلولیت را نتیجه «قهر خدا»، «مصلحت و آزمون الهی»، «ناشکری» و درسی برای عبرت و دلسوزی بدانند، ای بسا بیشترین و عریان‌ترین خشونت را علیه او اعمال کرده و تلقی نادرستی از وضعیت‌اش به او خواهند داد. در حالی که از حقوق فرد دارای معلولیت، برخورداری از امکانات و شرایط عادی زیستن در خانواده است.

پنهان کردن عضو دارای معلولیت

به حساب نیاوردن، نادیده گرفتن و از همه بدتر پنهان کردن عضو دارای معلولیت از دیگران نوع دیگری از اعمال خشونت علیه آنهاست. در بسیاری از خانواده‌ها برای عضو دارای معلولیت لباسی خریداری نمی‌شود. تلقی بی‌رحمانه این است که «او که نمی‌بیند یا متوجه نیست.»

افراد دارای معلولیت معمولاً در تصمیم‌های جمعی و خانوادگی، حتا تصمیم‌هایی که به زندگی و وضعیت شخصی خود آنها مربوط است مشارکت داده نمی‌شوند و شاید تلخ‌ترین نوع خشونتی که علیه آنها اعمال می‌شود **پنهان کردن** آنها از دید سایرین، همسایگان، مهمان‌ها و دوست و آشنا باشد. گویی که عضو دارای معلولیت خانواده لکه ننگی بر پیشانی همه است.

گزارش‌ها نشان می‌دهد چنین رفتاری درباره دختران دارای معلولیت بیش از پسران انجام می‌شود.

گاه عضوی از خانواده که روی صندلی چرخ‌دار می‌نشیند تا هفته‌ها از خانه خارج نمی‌شود چرا که ممکن است خروج او از خانه دردسرهایی برای اعضای خانواده داشته باشد یا کسانی از همسایگان و آشنایان او را ببینند.

همه اینها در حالی است که کنوانسیون حقوق جهانی معلولان خواستار به رسمیت شناخته شدن تمامیت جسمی و روانی همه افراد دارای معلولیت در هر کجای جهان است.

ضرورت حمایت از خانواده‌ها

وقتی یک عضو خانواده با نوعی از معلولیت زندگی می‌کند نه فقط همان عضو خانواده که در واقع تمام خانواده به عنوان یک واحد، نیازمند همراهی و طرح و برنامه‌های حمایتی است. آموزش خانواده‌ها برای چه‌گونگی مواجهه با عضو دارای معلولیت از جمله ضروری‌ترین اقدامات حمایتی است که دولت‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد باید در پیش بگیرند.

خانواده‌هایی که عضوی دارای معلولیت دارند علاوه بر همه مشکلات دیگر، اغلب با چالش‌های اقتصادی هم روبه‌رو می‌شوند. هزینه‌های دارویی و درمانی و دغدغه‌های مربوط به بیمه و هزینه‌ها بر دوش این خانواده‌ها سنگینی می‌کند.

اینجاست که برنامه‌های حمایتی دولت‌ها به کار می‌آید. برنامه‌ای که در ایران در سال ۳۹۳۱ بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی، سازمان ملی زمین و مسکن، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، انجمن خیرین مسکن‌ساز و سازمان بهزیستی برای عملی شدن آن اقدام کردند.

بر اساس این طرح قرار شد برای خانواده‌های دارای دو فرزند معلول خانه و محلی برای زندگی فراهم شود. برنامه‌ای که البته گزارش‌های بعدی درباره چه‌گونگی پیشروی آن چندان شفاف نیست.

از سوی دیگر نهادهایی مانند سازمان بهزیستی که بر اساس قانون نهاد متولی شهروندان دارای معلولیت هستند موظف شده‌اند با در اختیار قرار دادن پرستار و نیروی کمکی به شهروندان دارای معلولیت کمک کنند تا کمترین نیاز را به اعضای خانواده خود داشته باشند.

گاه فرد دارای معلولیت برای برآوردن کوچک‌ترین نیازهای خود در زندگی روزانه نیازمند کمک است و **گزارش‌هایی** از دریغ داشتن این کمک از سوی اعضای خانواده خبر می‌دهد. اقدامی که نقض آشکار حقوق فرد دارای معلولیت و مصداق خشونت با اوست.

همه می‌توانند دارای معلولیت باشند

از نظر پزشکی هیچ انسانی بی نقص نیست و هر شهروند می تواند درجه ای از معلولیت ذهنی یا جسمی را در خود داشته باشد. معلولیت نسبی در میان سالی و کهن سالی اجتناب ناپذیر است. این طور که آمار می گوید یک سوم افراد بالای ۵۷ سال دچار معلولیت های حرکتی، افت شنوایی و بینایی، ضعف حافظه و اختلالات رفتاری می شوند. این یعنی همه ما ممکن است به درجاتی با معلولیت درگیر باشیم یا در آینده درگیر بشویم. دانستن این موضوع شاید کمک کند تا به عنوان اعضای خانواده، به منظور امن تر ساختن نهاد خانواده برای اعضای دارای معلولیت، انگیزه و مسئولیت بیشتری حس کنیم.

از مهم ترین بندهای کنوانسیون جهانی حقوق معلولان تلاش برای درک شرایط شهروندان دارای معلولیت، احترام به تفاوت ها و پذیرش شهروندان دارای معلولیت به عنوان بخشی از تنوع انسانی و بشری است. شهروندانی که مثل همه حق زندگی کردن، برخورداری از رفاه و آسایش، حق آموزش و داشتن شغل و حق مشارکت سیاسی و اجتماعی دارند.

به رسمیت شناختن این حقوق اما قبل از هر جای دیگر از نهاد خانواده آغاز می شود. از خانه های امن.